



رشد عرفان‌های نوظهور نتیجه فضا سازی هنرمندان، شاعران و سخنوران ماست!

راهکارهای تفکر اسلامی برای مقابله با عرفان‌های کاذب...

راهکارهای تفکر اسلامی برای مقابله با عرفان‌های کاذب

سیدیحیی یثربی:

رشد عرفان‌های نوظهور نتیجه فضا سازی هنرمندان، شاعران و سخنوران ماست! خود ما فضا را برای رشد عرفان‌های نوظهور در جامعه فراهم کرده‌ایم؛ هنرمندان و شاعران و سخنوران ما همه از عرفان سخن می‌گویند و لذا وقتی چنین فضاهایی گسترش می‌یابد، حق و ناحق با هم رشد می‌کنند.

سیدیحیی یثربی، استاد بازنشسته دانشگاه علامه طباطبایی، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، با تأکید بر این که نباید بدون مقدمه عرفان را به دو نوع عرفان خوب و بد تقسیم کرد، اظهار کرد: عرفان چیزی متفاوت با دین است و نمی‌توان نوعی و شکلی از عرفان را ارائه کرد و گفت که این عرفان عین دین اسلام است و بر همین اساس و ابتدا به ساکن عرفان اسلامی را از انواع دیگر عرفان جدا کرد.

نویسنده کتاب «عرفان نظری« با اشاره به بخشی از کلام الهی که می‌فرماید: «و رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ؛ و تركِ دنيایی که از پیش خود درآوردند ما آن را بر ایشان مقرر نکردیم« (حدید / 27)، گفت: اگر ما از کسانی که از عرفان سخن می‌گویند، بپرسیم که منظور شما از عرفان اسلامی چیست؟ عموماً به عرفان ابن عربی اشاره خواهند کرد، در حالی که خود ابن عربی در «فصوص الحکم« آیه مذکور را شاهی مبنی بر بشری بودن عرفان می‌آورد؛ همچنان که عبدالرزاق کاشانی نیز در «شرح منازل السائرین« در بحث از منزل رعایت، همین نکته را تأیید می‌کند که عرفان، وحی آسمانی نیست.

نویسنده کتاب «عرفان عملی در اسلام« با بیان این که عرفان نیازمند ریاضت است، خاطرنشان کرد: از کسانی که مدعی پیروی عرفان درست و صادقند آنانی که اهل ریاضت نیستند، حقه‌بازند و به طور کلی دروغ می‌گویند و به نام عرفان به کسب و کار مشغولند و به دنبال پول و شهرت هستند.

یثربی در خصوص ریاضت، توضیح داد: این ریاضت چیزی نیست که خدا گفته باشد، اما در همین مکتبی که بشر ساخته است، این قاعده حاکم است که اگر کسی ریاضت نکشد، به جایی نمی‌رسد. بنابراین بشری بودن عرفان به معنای بی‌ارزش بودن آن نیست، بلکه به این معناست که ارزش آن را به راحتی نمی‌توان تعیین کرد و گفت که واقعاً تا چه حد و به چه شکل درست و ارزشمند است. در واقع نمی‌توان گفت که عرفان امری بدون مبنا و بدون ریشه است، اما می‌توان گفت که با وحی متفاوت است؛ چرا که خود عرفای اسلام نیز آن را وحی نمی‌دانند.

در این 15 سال اخیر حتی يك مورد نیز وجود نداشته است که دعوتی برای سخنرانی در مورد شخصیت پیامبر اکرم(ص) داشته باشم، یا بگویند بیا اگر چیزی درباره شخصیت مولا علی(ع) داری، بگو

نویسنده کتاب «فلسفه عرفان« در خصوص ارزیابی‌اش از جریان‌های جدید، بیان کرد: جریان‌های جدید اجتناب‌ناپذیرند، چرا که ما خود زمینه را برای این رفتارها و گرایش‌ها فراهم کرده‌ایم، بنابراین به جای درگیر شدن با این جریان‌ها باید ببینیم که خود ما چه زمینه‌ای را برای آن‌ها فراهم کرده‌ایم که اکنون شاهد رشد و گسترش آن‌ها هستیم.

وی نفی مدعیات جریان‌های جدید را راهکار نادرستی برای نقد آن‌ها دانست و خاطرنشان کرد: همه شاخه‌های عرفانی مدعی‌اند که ما به چیزی می‌رسیم و به يك معنا اساساً عرفان جای ادعاست و در این خصوص تفاوتی میان مکاتب عرفانی جدید و قدیمی وجود ندارد. بنابراین در شرایطی که نمی‌توان جلوی ادعای افراد را گرفت، برای مقابله با نفوذ جریان‌های جدید، باید راهکاری برای جلوگیری از گسترش زمینه این ادعاها و نفوذ آن‌ها در جوانان اندیشید.

این استاد بازنشسته دانشگاه علامه طباطبایی با اشاره به این که هر روز ممکن است چیز جدیدی در جامعه مطرح شود، عنوان کرد: آن چه ما باید انجام دهیم، این است که باید کاری کنیم و جامعه را به گونه‌ای بار بیاوریم که این گونه افکار و عقاید را به طور طبیعی از خود دفع کند. این درحالی است که ما عرفان‌گرایی را تبلیغ کرده‌ایم و به همین دلیل فضایی در جامعه پدید آمده و افرادی نیز

موقعیت را مناسب و جامعه را برای پذیرش این گونه مطالب آماده دیده‌اند و در حالی که هیچ ریشه‌ای در این زمینه ندارند، به طمع افتاده‌اند که مریدانی اطراف خود جمع کنند و از همین رو مکاتبی اختراع کرده‌اند که کارشان نیز گرفته است.

یثربی ادامه داد: این عرفان‌ها در شرایطی در جامعه ما پدید آمده‌اند که ما فضا را برای آن‌ها فراهم کرده‌ایم، هنرمندان و شاعران ما شعر عرفانی خوانده‌اند و سخنوران ما همه از عرفان سخن می‌گویند و الان هم سالانه 50 تا 60 جا از تهران و شهرستان‌ها خود مرا برای سخنرانی درباره عرفان و مولوی و ابن عربی و سهروردی و موضوعاتی از این دست دعوت می‌کنند، در حالی که حداقل در این 15 سال اخیر حتی يك مورد نیز وجود نداشته است که دعوتی برای سخنرانی در مورد شخصیت پیامبر اکرم(ص) داشته باشم یا بگویند بیا اگر چیزی درباره شخصیت مولا علی(ع) داری، بگو.

وی اضافه کرد: بنابراین باید به جامعه حق بدهیم و بدانیم که خود ما گناهکاریم. ما مسئولیم که چنین زمینه‌ای را برای رشد عرفان ایجاد کرده‌ایم. وقتی چنین فضاهایی گسترش می‌یابد، حق و ناحق با هم رشد می‌کنند و آنگاه است که تازه ما به یادمان می‌افتد که باید از بعضی چیزها تا حدی جلوگیری کنیم.